

## قانون و رویه قضایی در ج.ا. ایران در پیوند با اقلیت‌های دینی

### قانون

اصل دوازدهم قانون اساسی ج.ا. ایران راجع به مذاهب فقهی چهارگانه اهل تسنن و زیدیه مقرر می‌دارد:

«پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن، در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب، اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب».

اصل سیزدهم: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند».

در ماده واحده مصوب تیرماه 1312 به ایرانیان غیر شیعه اجازه رعایت و بهره‌مندی از اقتضائات احوال شخصیه و مقررات مربوط به فرزندخواندگی در محاکم داده شده است.

ماده واحده مصوب اردیبهشت 1361 شرایط قاضی را (= ایمان، عدالت، طهارت مولد، تابعیت ایران، انجام خدمت وظیفه یا دارا بودن معافیت قانونی، صحت مزاج، توانایی انجام کار، عدم اعتیاد به مواد مخدر و دارا بودن اجتهاد به تشخیص شورای عالی قضایی یا اجازه قضا از جانب شورای عالی قضایی) برمی‌شمارد.<sup>1</sup>

### رویه قضایی

در جمهوری اسلامی ایران، قضاتی از اهل تسنن عهده‌دار قضا برای سنیان (و گاه برای شیعیان) هستند. حتی در برخی موارد که شیعیان قضاوت برای سنیان را برعهده دارند، در صورت لزوم از صاحب‌نظران از اهل تسنن نظرخواهی می‌کنند. لکن هیچ گزارشی مبنی بر تصدی قضاوت از سوی غیر مسلمان در ج.ا. ایران نداریم؛ هر چند به اقتضای اصول و مواد قانونی فوق، در احوال شخصیه (بلکه و تعلیم و تربیت) قضات موظفند (یا می‌توانند) بر اساس معتقدات آن‌ها داوری کنند.

چنان که در اجرای حدود (یا برخی حدود مثل شرب مسکر)<sup>2</sup> ملاحظه معتقدات آن‌ها می‌شود.

توجه کنید:

ماده 266: «غیر مسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر، محکوم به حد می‌شود».

تبصره: «اگر مصرف مسکر توسط غیر مسلمان علنی نباشد، لکن مرتکب در حال مستی در معابر یا اماکن عمومی ظاهر شود به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می‌گردد».

1. ذکر این ماده واحده به تناسب بود.

2. تردید به اعتبار ابهام در قانون است! فتدبر.

### گزارشی از متون فقهی امامیه و غیر ایشان در پیوند با قضای غیر مؤمن (اقلیت‌های دینی)

شهید ثانی: «و اما الایمان: فان اُرید به الاسلام او ما فی معناه فاشترطه واضح؛ لان الکافر لیس من اهل التقليد علی المسلم و لا علی [غیره] مثله. و ان ارید به الخاص المتعارف عندنا - كما هو الظاهر - فلمشاركة غيره للكافر في عدم اهلية التقليد و اختلاف الاصول المعتبرة فيه عند الفريقين. و جَوَز بعض العامة<sup>3</sup> تقليد الكافر القضاء علی اهل دینه و هو شاذ...»<sup>4</sup>.

به حنفیه هم جواز قضای غیر مسلمان بر غیر مسلمان فی الجملة نسبت داده شده است و در راستای اثبات آن به ادله تمسک شده است.<sup>5</sup>

### نقد شذوذ انگاری جواز قضای غیر مسلم و ادامه تتبع

جواز تصدی قضا از سوی کفار - فی الجملة - تنها اندیشه «بعض العامة» نیست؛ بلکه برخی فقیهان و متکفلان استنباط از امامیه نیز اندیشه‌ای چنین دارند.

توجه کنید:

محقق اردبیلی ذیل کریمه \* **فَانْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ اَوْ اَعْرِضْ عَنْهُمْ** \* (مائدة: 42) می‌فرماید:

کأنه تخییر للنبی - صلی الله علیه و آله - و لمن یقوم مقامه من الامام و القاضی ان تحاکم الیهم الکفار، بین ان یحکموا بینهم بالعدل الذی هو الحق فی نفس الامر و هو مقتضی الاسلام و بین ان یعرضوا منهم بان یحیلوهم الی حکامهم یحکمون بینهم بمقتضی شرعهم ان کان فی شرعهم فیه حکم، كما ذکر اصحابنا»<sup>6</sup>.

مطلب و عبارت محقق اردبیلی (متوفی 993) گویا از جمال‌الدین فاضل مقداد (متوفی 826) گرفته شده است. و البته ایشان (فاضل) این را اضافه دارد که تخییر مذکور برای قاضی در وقتی است که خصمان از یک آیین پیروی کنند «اما اذا کان احدهما مسلما فلا يجوز للحاکم رد الحکم فیه الی اهل الذمة قطعا و لو کان متغایرین فی الملة کالیهودی و النصرانی یحتمل الرد الی الناسخ و الاقوی تحتم الحکم بینهما بمذهب الاسلام؛ لأن ردهما الی احد الملتین موجب لاثارة الفتنة»<sup>7</sup>.

3. نسبت داده شده به ابو حسن علی بن محمد ماوردی شافعی (م 450 ق) در الحاوی الکبیر شرح مختصر المزنی، ج 16، ص 157.

4. مسالک الافهام، ج 13، ص 327.

5. فقه القضاء، ج 1، ص 25 و 26.

6. زبدة البیان فی براهین احکام القرآن، ص 859 و 860.

7. کنز العرفان فی فقه القرآن، ص 693.